



پنجره‌های رو به معبود؛ آفت جوانی، جو زدگی است

شهوة خودش می‌رسد، غضب خودش تکامل پیدا می‌کند اما مسائل انسانی‌اش را تو باید آبیاری کنی...

شهوة خودش می‌رسد، غضب خودش تکامل پیدا می‌کند اما مسائل انسانی‌اش را تو باید آبیاری کنی. مسائل الهی، معنوی‌اش را تو وظیفه داری که به فعلیت برسانی. این وظیفه توست که اینها را که خودش تکامل پیدا کرده، گام به گام بیایی تا به این سن و مهارش کنی. اینجاست که آدم وقتی دید ساخته شده و اسکلتش ساخته شده است، تا حدودی احساس ایمنی می‌کند. روکاری‌هایش اشکال ندارد، محکم‌کاری را تو کرده باش؛ عمده این است. یکی از آفات جوانی ماجرا جویی آنهاست. حواست را جمع کن! چه در بعد خشم او و چه شهوت او که یک وقت فریب نخورد. مراقبت باید باشد. نه اینکه دیگر حالا رهایش کنی و بروی! باز هم مراقبت می‌خواهد. جو حاکم و شعارها ممکن است احساسات او را تحت تأثیر قرار دهد. بچه اینگونه است که احساساتی است، لذا ایمنی کامل ندارد. یک وقت اشتباه نکنید که تمام شده است و دست را روی هم بگذارید! خیر! جوهای کاذب هم فراوان است؛ کسانی که مثلاً اهداف شیطانی دارند، با امکاناتی که در دست دارند، او را فریب ندهند. این جوان به طور طبیعی که نمی‌فهمد که این جو ساختگی است. عوامل پشت پرده را که نمی‌فهمد. متوجه نمی‌شود که جو را ساخته‌اند. یک وقت می‌بینی که این هم رفت بین آنها. باید طوری جوان را تربیت کرد که جو زده نشود. باید شعور به او داد تا تحت تأثیر هر جوی قرار نگیرد. خیال نکند این جوها همه‌اش صادق و طبیعی است، خودجوش است. نه! به او بفهمان که گاهی این جوها ساختگی‌اند. به او بفهمان که اگر این طرف و آن طرف کردند، بعد امثال تو را به داخل جمعیت نکشانند! جوزده نشو! شعارزده نشو! مراقب باش! بالاخره باید از اینها مراقبت بکنیم. می‌خواهم بگویم اینگونه نیست که جوان بعد از این سن ایمنی کامل پیدا بکند. اتفاقاً یک نوع خطراتی آنجا دارد که حالا من به یکی از آنها اشاره کردم. مسئله این است که جوزده نشود؛ چون در معرض خطر است. به او بفهمان! به او شعور بده! او را به اینجا برسان و از او مراقبت هم بکن.